

از ستاره تا خورشید

یادنامه شهدای دانشجوی دانشگاه تهران

جلد دوم

مجموعه ۲۵ داستان کوتاه از ۲۵ شهید

با مقدمه‌ای از:

دکتر سید مهدی قمصری

معاونت دانشجویی و فرهنگی

دانشگاه تهران

عنوان و پدیدآور: از ستاره تا خورشید: یادنامه شهدای دانشجوی دانشگاه تهران / استاد
برگزاری یادواره شهید ۴۰۰ دانشگاه تهران، معاونت دانشجویی و فرهنگی
مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تهران، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۹ ج. مصور، عکس.

شابک: 964-8171-85-8 (ج. ۱): (ج. ۲) 964-8171-98-x
یادداشت: فیبا.

یادداشت: ج. ۲. (چاپ اول: ۱۳۸۵). (فیبا)
مندرجات: ج. ۱. مجموعه ۳۴ داستان کوتاه از ۳۴ شهید -- ج. ۲. مجموعه ۲۵ داستان
کوتاه از ۲۵ شهید --

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- داستان.
موضوع: شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. واحد تهران
شناسه افزوده: دانشگاه تهران. معاونت دانشجویی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره: ۱۶۲۵ DSR ۳۶۵ الف /

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۹۶۳ م

از ستاره تا خورشید (یادنامه شهدای دانشجوی دانشگاه تهران)

جلد دوم، مجموعه ۲۵ داستان کوتاه از ۲۵ شهید

(معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران)

سرپرست گروه مؤلفین: محمود حدادیان

با حمایت دبیرخانه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت: گروه مشورتی جوان شهرداری تهران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ویراستار: لیلاکرمی

حروفچینی: اعظم حسینی

ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران

طراحی جلد: زینب اسحاقی

لیتوگرافی: ابرنگ

چاپ: درخشان

نوبت چاپ: چاپ اول: بهار ۱۳۸۶

تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

ن و القلم و ما یسطرون

از ستاره تا خورشید حکایت رادمردان سترگی است برخاسته از دامن مادرانی بزرگ که با الهام از سرور و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) و شریعت انسان ساز محمدی (ص) قدم در آوردگاه حق و باطل نهادند. شهدای والا مقامی که روزی میهمان خوان گسترده علم و دانش دانشگاه تهران بوده و با آغاز جنگ تحمیلی ندای پیر جماران را لبیک گفته و با درک مناسب از مقتضیات زمان به عرصه دانشگاه شهادت شتافتند.

بی تردید زبان قصه که هنرمندان و همکاران این مجموعه در معرفی شهدای دانشگاه تهران بدان همت گماشته‌اند شیوه پسندیده‌ای است که به تاثیرگذاری و مانایی اثر کمک شایانی کرده و یادآور سنت حسنه‌ای است که ایزد، تبارک و تعالی در نزول آیات شریفه خود به انبیاء عظیم‌الشان عنایت ویژه‌ای داشته‌است.

حماسه پایداری ایرانیان سرافراز در طول تاریخ سبب ظهور ادبیات ماندگاری گردیده‌است و همین ادب روایتگر و داستانی؛ قصه مقاومت، دلیری، شجاعت و جانفشانی قوم ایرانی را در پیش چشم جهانیان آن مایه جلوه‌گر ساخته و چنان بی‌می از دلاوری ایرانیان در دل دشمنان انداخته که این سرزمین همیشه یکتا پرست را جاودان از تجاوز مصون داشته است که نمونه بارز آن در شاهنامه فردوسی - شاعر پرآوازه ایران - تجلی یافته است.

به برکت اسلام و شریعت مترقی آن و اعتقاد مریدانه ایرانیان به پیشوایان علوی و به خصوص سرور و سالار شهیدان (ع) این شهامت و شهادت طلبی در مسیر

پرمعناتری قرار گرفت و ادبیات پایداری آن سرلوحه تمامی آزاد مردان و آزاد اندیشان عالم گردید .

عصاره این فضایل و شجاعت‌ها رزمندگان و راست قامتان هشت سال دفاع مقدس و فرزندان معنوی امام خمینی (ره) بودند که با ایمان و رشادتی مثال زدنی، نام ایرانی مسلمان را بر قلعه شجاعت نشانده‌اند. جوانان رشیدی که بسیاری از آنان در سنگر دانش پژوهی نیز سرآمد همگنان و جوانان این مرز و بوم بودند. امید است با اتکال به عنایت حضرت حق این اثر بتواند در عمل به رسالت خویش برای معرفی شهدای گرانقدر دفاع مقدس، بویژه شهدای دانشجوی و ترویج فرهنگ والای ایثار و جهاد و شهادت در بین دانشجویان عزیز مؤثر باشد .

سید مهدی قمصری

معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران

«بهانه»

بهانه‌ها، آغاز همه چیزند و آغاز بهانه‌ها از بی‌بهانگی است. شاید بی‌کس و تنها شده‌ایم که به شما روی آورده‌ایم. شاید هم می‌خواستیم ببینم دوکوهه‌ای که وعده کرده بود کربلایت می‌برد، برد؟! راستی! 'نینوای بی‌نوا' بعد از تو چه کرد؟ 'سلمچه بی‌رزمده'، 'محمد'، 'محمد'، 'محمد'، یاسر‌های، بی‌یاسر چطور؟

اصلاً! همه‌اش تقصیر آقای حدادیان است. بهانه اصلی را هم او دستان داد. گفت: 'می‌خواهیم یادواره شهیدای دانشگاه را برگزار کنیم'. گفت: 'بنویسید، من اصلاحش می‌کنم'. شاید هم دلش هوای رفیق، رفقا را کرده بود. هر چه بود یا علی را گفتیم. گاهی تند می‌رفتیم و گاهی هم کند. تا 'از ستاره تا خورشید' به وجود آمد. نمی‌دانم خوب کار کردیم یا نه؟ قضاوتش با شما. داستان‌هایمان هم مثل خودمان است. معلوم نیست واقعی است یا نه! اصلاً چه کسی است که بتواند ادعا کند که مرز واقعی و غیر واقعی را می‌شناسد! اشتباه نکنید! ما نویسنده نیستیم! مدعی نویسندگی هم. دنبال شاهد می‌گشتیم و دانشگاه هم شد شاهدی بر مظلومیتان. شاید هم می‌خواستیم میان غربت بهشت زهرا، میان سنگرهای خالی سلمچه، یا طبقات متروکه دوکوهه و یا کنار اروند از خروش افتاده، از خودمان سراغ بگیریم. گاهی هم، همراه شما، سری میان خیابان‌های انقلاب زدیم.

یک عده‌مان هم، میان انبوه خاطرات و دست نوشته‌های شهید ترکشوند، رجب‌بیگی و صابری و توکلی گم شده‌اند و هنوز که هنوز، پیدایشان نکرده‌ایم. ما کارمان را از یک تیر ماه گرم، آغاز کردیم. هر چه بودیم سعی کردیم که باشیم،

که بودندمان بهتر از نبودنمان بود. می‌دانستیم که تکلیفمان را سنگین‌تر می‌کنیم؛ ولی، چه کنیم که دل‌هایمان و قلم‌هایمان بهانه می‌گرفت. شاید بهانه‌ها را بتوان از یاد برد ولی مظلومیتان را نه. و این آغاز راه است. آغاز راهی طولانی.

کاری که پیش رو دارید اولین جلد مجموعه‌ای ۹ جلدی است، شامل داستان‌هایی از دانشجویان شهید دانشگاه تهران که براساس مجموعه اطلاعات گردآوری شده در پرونده‌های ایشان، نوشته شده است. این جلد شامل ۳۴ داستان از ۳۴ شهید می‌باشد که به همت ستاد برگزاری یادواره شهدای دانشگاه تهران، انجام می‌شود و به مرور برای تمام شهیدان دانشگاه نیز صورت خواهد گرفت.

ان شاء الله.

کمیته تألیف یادنامه ۴۰۰ شهید دانشگاه تهران

بهار - ۱۳۸۵

«گذرگاه صدا»

- خدایا! ستاره‌ها که رفتند، خورشید را نگهدار!

وقتی که توی صحرائی قدم می‌گذاری که تاریکی و ظلمت توی آن حاکم است؛ وقتی می‌دانی هر جا قدم می‌گذاری، هر آن امکان دارد سقوط کنی و هلاک شوی، به هر دری می‌زنی تا روزه ای از نور پیدا کنی؛ ولی نمی‌توانی، آن وقت است که سر و کله ستاره‌ها پیدا می‌شود و زمین پر از ظلمت را برایت روشن می‌کند. البته این بستگی به این دارد که بخواهی و در جستجوی نور باشی. اینجاست که دعای "اللهم اخرجنی من الظلمات الی النور"، مصداق پیدا می‌کند و راهی فرا رویت باز می‌شود. باید خیلی حواست جمع باشد، چون بعضی‌هایشان بی صدا می‌آیند، و بی صدا می‌روند. بعضی‌هایشان صدای نفس‌هایشان گوش عالم را کر می‌کند. بعضی‌هایشان هم صدایشان محکوم به سکوت است و عده‌ای هم صدایشان بی صدا خاموش می‌شود. دلگیر می‌شوی وقتی می‌بینی غوغای لحظه‌های پرخطر و پر مخاطره اهالی خطه آتش و عشق، در سکوت پرونده‌های کوچک، آرام آرام، خاموش و فراموش می‌شود.

نمی‌دانی چقدر سخت است در میان این پرونده‌های خاموش به دنبال انعکاسی از صدای آن روزها گشتن: باید از جایی بگوییم که ندیدیم، باید از کسی بنویسیم که تنها چند برگ از زندگی‌اش را خوانده‌ایم، باید از صدایی سخن بگوییم که خاموش است و از خاطراتی حرف بزنیم که از زخم بی‌توجهی، مخدوش است. تقصیر هیچ کس نیست. غوغای لحظه‌های سرد امروز و اینجا، نوای گرم لحظه‌های آن روزها را بلعیده است. اما سکوت دشت عباس و خاک نمناک نخلستانهای بو فلفل، هنوز سرمت از سجده‌های مردانه آنهاست. هنوز تپه‌های قلاویزان و شاخ شمیران در حسرت استواری پاهایشان است. قلب خونین خاک شلمچه، هنوز از داغ گمنامان بی‌کفن می‌سوزد.

تنها، شب‌های آن دور دست‌ها و سعت ستاره باران این آسمان بی‌کرانه را به یاد دارد. از میان همین مخمل پر ستاره بعضی‌هایشان هرگز باز نگشتند: بعضی‌ها سالها، در سکوت زرد رنگ، اردوگاه‌ها حسرت خوردند. بعضی به گلزار خاموش این باغ خزان زده سپرده شدند، و بعضی که زخمها بر دل و جان دارند، از این غربت، هزار بار، دلشان می‌گیرد.

شاید اینجا گذرگاهی است تا در آن هر قصه ناگفته‌ای واگویه شود. اگرچه در کاروان بی‌نشان امروز عطشی برای ناگفته‌های دیروز نیست. در دل‌هایمان نیتی متولد شد تا غبار فراموشی را بروییم و از خلوت گزیدگانی بنویسم که گرچه حاجتی به تماشا ندارند؛ اما بی‌انصافی است که به حبس ابد در پرونده‌های کوچک محکومشان کنیم.

جلد دوم "از ستاره تا خورشید" تلاش دوباره‌ای است برای از ستاره‌ها گفتن! از شهدایی که پرونده‌هایی خالی، ولی پر از عشق دارند و مایه فخر و مباهات فرزندگان و فرهیختگان عرصه علم و دانشند. داستانها لزوماً همه اجزایشان واقعی نیست بلکه برگرفته‌ای از واقعیت، مخلوطی از احساس و الهام و چکیده‌ای از تخیل‌اند. و نیز گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که "مرز واقعی و غیرواقعی دست نیافتنی است".

کمیته تألیف یادنامه ۴۰۰ شهید دانشگاه تهران

بهار - ۱۳۸۶

عنوان	نویسنده	شماره صفحه
پرواز طوطی (عباس مسگر تهران)	احمدی، سمیه	۱
پیمانی برای پرواز (احمد عظیمی طاهری)	احمدی، منصوره	۷
یار تفتان (حمید قلنبر)	اسدی، محمدکاظم	۱۷
راز نگاه (رحیم بیناتی)	توحیدی چافی، محمد	۲۹
کما (یزدان جعفری بالندی)	توحیدی چافی، محمد	۳۷
آسمان بی پرند (محمدعلی روحانی فرد)	توحیدی چافی، محمد	۴۵
کمین (محبته علی عودی)	توحیدی چافی، محمد	۵۳
هوا - فضا (اکبر اکبرزاده شورکی)	خدادادیان، محمود	۶۳
تشنه سیراب (علیرضا فقیه میرزایی)	رحیمی سجاسی، مریم	۷۵
شکوه انتظار (هوشنگ پورسید)	رحیمی سجاسی، مریم	۸۳
عروج یک ستاره (اصغر نعمت الهی بین آباد)	رحیمی سجاسی، مریم	۹۳
اینجا هویزه است (حسین خوشنویسان)	رنجبری، زینب	۱۰۷
بن بست (مهدی رجب بیگی)	رنجبری، زینب	۱۱۳
دوازده سال توسل (علیرضا قناعت)	رنجبری، زینب	۱۲۱
سجاده ای از خاک (جواد احمدی)	رنجبری، زینب	۱۳۱
روشنایی چاه (حسینعلی یوسفزاده)	رنجبری، زینب	۱۴۳
بقچه امانتی (مهرداد ریاضی تهرانی)	صادقی، سیدهادی	۱۵۳
نذری لآن سوی غبار (محمدحسین مسمود) اوحدی	عسکری، زهرا/محمدعلیزاده سامانی، هما	۱۶۷

عنوان	نویسنده	شماره صفحه
-------	---------	------------

عقد اخوت (سید مهدی اکرمی)	غفاری، فاطمه	۱۸۱
مصطفی ی پدر (مصطفی هاشمی)	لویمی، فاطمه	۱۹۳
حالا تو حرف بزن (سید حسن خوشبخت)	محمدی، راحله / لرنجبری، زینب	۲۰۵
کابوس سرد (محمد رضا شریعتی فرد)	محمد علیزاده سامانی، هما	۲۱۳
راهی (سید احمد پور موسویان)	محمد علیزاده سامانی، هما	۲۲۵
دادستان (حسین انصاری جزی)	محمد علیزاده سامانی، هما	۲۳۵
روزهای انتظار (محمد زارعین)	محمد علیزاده سامانی، هما	۲۴۳



شهید عباس مسگر تهران

دانشجوی رشته برق: دانشکده فنی

تاریخ و محل تولد: ۱۳۴۷/۴/۸: تهران

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۶/۸/۵: سردشت

شهید عباس مسگر تهرانی در تیرماه سال ۱۳۴۷ در شهر تهران در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. ضمن تحصیل همواره در مجالس مذهبی شرکت داشت. باگشایش دبیرستان سپاه از سوی آیت‌ا... خامنه‌ای جزو اولین کسانی بود که لبیک گفت و در این مدرسه مشغول تحصیل شد. اگر چه جبهه رفتن آنها از سوی دبیرستان کنترل می‌شد؛ اما توفیق یافت که دوبار به جبهه اعزام گردد. با جدیتی که به خرج داد بار تبه ۷۵ در رشته مهندسی برق قبول شد. هیچ شبی بدون وضو نخواست. نماز شبش ترک نشد و سرانجام در آخرین اعزامش در عملیات نصر ۷، در سردشت در تاریخ ۶۶/۸/۵ وقتی که در تاریکی شب در حال نگرهبانی بود؛ در اثر اصابت گلوله به گلویش به دیدار معبود شتافت.